

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس

۱۱ جون ۲۰۱۹

تن فروشی قبل از همه محصول نابرابری اقتصادی است

در این اواخر موج گسترده ای از اخبار مبنی بر سوء استفاده جنسی از زنان در بدل شغل و مقام در ارگ به راه افتاده است. واقعیت اینست که ارگ نشینان و قدرت حاکمه در کل کارنامه های سیاه زیادی دارند. سیه روزی مردم در افغانستان و فقر گسترده یکی از عوامل عمده تن فروشی و محصول مستقیم مناسبات حاکم سرمایه داری می باشد. ولی سوء استفاده جنسی از زنان از آن رو حساسیت بر انگیز شده است که به عنوان یک پدیده ناموسی، از قلب مناسبات حاکم مردسالارانه در جامعه بر می خیزد.

در واقع ایجاد رابطه جنسی یک نیاز طبیعی انسانی است که محصول فعل و انفعالات معین کیمیائی و فزیک در بدن بوده و به صورت طبیعی تابع هیچ یک از قوانین اخلاقی نیست.

ایجاد چنین رابطه ای زمانی انسانی است که دو طرف رابطه در یک موقعیت برابر قرار داشته و هیچ نیازی جز نیاز فزیولوژیک و جنسی، عامل آن نباشد. در یک جامعه مبتنی بر طبقات، مصونیت اقتصادی یک نیاز میرم انسان هاست. سرمایه داری که شکل متأخیر نظام طبقاتی است، هیچ گاه نمی تواند چنین مصونیتی را تأمین کند، چون آنچه در محراق توجه و فعالیت سرمایه داری قرار دارد کسب سود بیشتر است، نه تأمین حتی حد اقل نیاز های انسانها.

تلاش برای بقاء سبب می شود که انسان ها از هر امکانی برای تأمین زندگی شان استفاده نموده و به شیوه هائی رو بیاورند که در شرایط عادی آن را انجام نمی دهند. سوء استفاده از قدرت، فریب کاری، رشوت ستانی، اختلاس و نا هنجاری هائی از این قبیل هیچ یک فرایند مستقیم ساختار ژنیتیکی انسان ها نبوده بلکه خصوصیتی اند که محصول محیط زیست انسانها و جامعه ای است که در آن رشد کرده اند و به عنوان ستراتیژی برای ادامه حیات در آن شرایط و در محدوده همان نظام حاکم به کار گرفته می شوند.

تن فروشی که محصول مستقیم عدم امنیت اقتصادی در جوامع نابرابر طبقاتی می باشد، علی رغم آن که مناسبات مردسالارانه به آن پر و بال می دهد، حساسیت فراوانی هم در برابر آن در همان جوامع بر انگیزده می شود.

اصل ارضای نیازهای جنسی نیست که سبب می گردد یک تن فروش خودش را در اختیار مشتریانش قرار دهد. درست مانند کارگری که صرفاً به دلیل لذت از کار، تن به هشت ساعت کار شاقه و ملال آور در یک معدن زغال سنگ نمی- دهد. همان گونه که در یک جامعه عاری از طبقات و انسانی، نباید کسی مجبور باشد، برای زنده ماندن نیروی کارش

را به فروش رسانیده و با تحمل مشقت جسمی و روانی فرسوده گردد، یک کارگر جنسی هم نباید ناگذیر از آن گردد که برای کسب وسایل معیشت، جسم و عاطفه اش را در معرض فروش قرار دهد.

سوء استفاده جنسی از زنان یک عمل منحصر به ارگ نیست. با تأسف این امر شیوه ای است که در بنیادی ترین سلول جامعه، یعنی در بسیاری از خانواده ها امری معمولی بوده و رسماً جریان دارد؛ به این شرح که پدیده تجاوز جنسی شوهر به زن احتمالاً برای بسیاری از مردم در جوامعی مثل افغانستان خیلی نامأنوس است. ولی در واقع زمانی که به دلیل تأمین نفقه و هزینه های زندگی از جانب شوهر، به حکم دین، قانون و سنت های حاکم، زنی خلاف میل خودش ناگذیر از آن می گردد که به خواسته های جنسی شوهرش پاسخ داده و تنش را بدون هیچ تمایل جنسی در اختیار او قرار دهد، در عمل تفاوتی با آنچه که در ارگ اتفاق می افتد ندارد. شیوه معمول و پذیرفته شده دیگر در قانون، پدیده صیغه است که در آن زن صرفاً برای تأمین مایحتاج زندگی اش، جسمش را در اختیار مردی که توانائی مالی دارد، قرار می دهد.

با تأسف موارد زشت تر از این هم وجود دارند که به دلیل عدم تأثیر در معاملات قدرت، ارزش مصرف نداشته و توجهی به آن مبذول نمی گردد. خرید و فروش زنان شوهر دار در نواحی جنوب شرقی افغانستان که زنان بیرحمانه به عنوان جنس و برای کسب منفعت مادی خرید و فروش می گردند، یکی از آن موارد است. در این رابطه اگر مردی حاضر باشد، پول بیشتر از مقداری که شوهر زن برای خریدش پرداخته است بپردازد، حتی زنانی را که از آنها طفل دارند، بدون هیچ مانعی به فروش می رسانند.

عده ای از زنان حتی چندین بار دست به دست می-گردند و هر بار با توجه به ظاهر و قیافه و همچنان سن شان می توانند به بهای بیشتر و یا نازلتر به فروش رسند.

گزارش سوء استفاده جنسی از زنان در ارگ توسط مقامات دولتی، گرچه می تواند واقعیت باشد، ولی همزمان از طرف نیروهای اسلامی به عنوان شمشیر دو دم از آن به عنوان وسیله ای جهت تطبیق احکام شریعت و برای محدود کردن زنان در چهار دیواری خانه ها و جلوگیری از فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها در اجتماع به کار گرفته می شود.

بدون تردید این گزارش همچنان می تواند کمپاینی در جهت تغییر افکار عامه برای راحت تر پذیرفتن نقش طالبان در دولت آینده و اسلامیزه شدن هرچه بیشتر حیات اجتماعی نیز باشد.

تا آنجا که به آزادی زنان بر می گردد، مانند هر فرد دیگری در جامعه، آزادی اقتصادی آنها، پیش شرط آزادی های دیگر آنها می باشد. یا آن که نیروی کار زنان به عنوان کالا در خدمت کارفرمایان و صاحبان سرمایه قرار می گیرد، اما بدون تردید آزادی اقتصادی زن پیش شرط رهائی او از قید افکار متحجر دین، باور های سنتی و افکار مرد سالارانه نیز است.

ناهنجاری های دیگر از جمله تن فروشی صرفاً با تأمین امنیت اقتصادی افراد در جامعه می تواند ریشه کن گردد، که نظام سرمایه داری از تأمین آن عاجز است.